



بررسی جایگاه علماء از دیدگاه قرآن کریم و تحلیل عقلانی مبتنی بر

شریعت اسلامی

نامزد پوهنیار عبدالعزیز خدام

رشته فقه و قانون، پوهنحی شرعیات، پوهنتون فراه

ایمیل: Khaddaamabdolaziz@gmail.com

چکیده

در قرآن کریم، علم به عنوان یک فریضه الهی مطرح گردیده و مسلمانان به کسب آن ترغیب و تشویق شده‌اند. در این میان، علماء به عنوان وارثان پیامبران شناخته شده و از جایگاه رفیع و ویژه‌ای برخوردارند. هم‌چنین، در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ بر فضیلت علم و مقام علماء تأکید صورت گرفته و آنان به عنوان حاملان هدایت الهی و شاهدان بر حق معرفی شده‌اند. از دیدگاه عقلانی نیز، علماء به دلیل برخورداری از دانش، بینش و قدرت تحلیل درست مسائل، دارای جایگاه زعامت فکری و رهبری اجتماعی در میان جوامع بشری بوده و مورد اعتماد و احترام مردم قرار دارند. این تحقیق با استناد به نصوص قرآنی، احادیث نبوی و اقوال سلف صالح، به تبیین جایگاه علماء پرداخته و تلاش نموده است تا این جایگاه را از منظر عقل و شریعت به گونه‌ای تحلیلی بررسی نماید. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی با طرز کتابخانه‌ای انجام یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آیات متعدد قرآن کریم بر برتری و مقام شامخ علماء دلالت داشته و عقل سلیم نیز این جایگاه را تأیید و تقویت می‌نماید. علماء در اسلام به عنوان الگوهای برجسته در ابعاد فردی و اجتماعی، نقش اساسی در حفظ هویت دینی، رشد فکری و پیشرفت جامعه اسلامی ایفاء نموده‌اند.

کلمات کلیدی: تبیین عقلانی، جایگاه علماء، قرآن کریم، نصوص.

دراسة منزلة العلماء من منظور القرآن الكريم والتحليل العقلي المبني على الشریعة الإسلامية

الملخص

وقد تناول القرآن الكريم العلم باعتباره فريضة إلهية، وحثّ المسلمين على طلبه والسعى إليه. وفي هذا السياق، عدّ العلماء ورثة الأنبياء، ومنحهم منزلة رفيعة ومكانة خاصة. كما أكدت آيات القرآن الكريم والأحاديث النبوية الشريفة ﷺ على فضل العلم وعلو شأن العلماء، ووصفتهم بأنهم حملة الهداية الإلهية وشهود على الحق. ومن الناحية العقلية، فإن العلماء - لما يمتلكونه من علم وبصيرة وقدرة على التحليل الصحيح للقضايا - يتمتعون بمكانة القيادة الفكرية والريادة الاجتماعية في المجتمعات البشرية، ويحظون بثقة الناس واحترامهم. وقد اعتمد هذا البحث على النصوص القرآنية، والأحاديث النبوية، وأقوال السلف الصالح في بيان مكانة العلماء، وسعى إلى دراستها وتحليلها من منظور يجمع بين العقل والشریعة. وقد تم إنجاز هذا البحث بالاعتماد على المنهج المكتبي، وباستخدام المنهج الوصفي التحليلي. وتُظهر نتائج البحث أن العديد من آيات القرآن الكريم تدل على فضل العلماء وعلو مكانتهم، كما أن العقل السليم يؤيد هذه المنزلة ويعززها. ويعدّ العلماء في الإسلام نماذج بارزة على المستويين الفردي والاجتماعي، إذ يضطلعون بدور أساسي في حفظ الهوية الدينية، وتنمية الفكر، والنهوض بالمجتمع الإسلامي.

الكلمات المفتاحية: التبيين العقلي، المكانة، العلماء، القرآن الكريم، النصوص.



مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقَامَ الْحُجَّةَ عَلَيَّ وَحَدَانِيَّتِهِ ثُمَّ عَلَيَّ صِدْقِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ فِي دَعْوَى رِسَالَتِهِ، وَتَرْكِهِ فِي أُمَّتِهِ حَتَّى دَعَا عِبَادَهُ إِلَى طَاعَتِهِ وَعِبَادَتِهِ، وَهَدَى مَنْ شَاءَ مِنْهُمْ لِإِجَابَتِهِ، وَبَيَّنَّ عَلَيَّ لِسَانَهُ مَا يَحْتَاجُ إِلَى مَعْرِفَتِهِ لِلْقِيَامِ بِشَرِيعَتِهِ، وَحَثَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصْحَابَهُ عَلَيَّ حِفْظِ سُنَّتِهِ، وَوَرَثِ الْعِلْمِ عُلَمَاءَ أُمَّتِهِ؛ أَمَا بَعْدُ.

علم و دانش و حاملان آن در دین مبین اسلام از جای گاه بلند و ارزشمندی برخوردار اند. چنان که، نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم ﷺ با امر به خواندن آغاز گردیده است. که این امر، بیان گر اهمیت بنیادین علم در نظام فکری اسلام می باشد. هم چنان، در نصوص شرعی، به مراجعه به علماء در موارد تشکیک در مسائل عقیدتی، عبادات، معاملات و حتی امور اجتماعی و سیاسی تأکید شده است. که خود دلالت بر فضل و شرف علم و مقام علماء دارد.

در اندیشه اسلامی، علم عامل سعادت و رستگاری دانسته شده و علماء به عنوان راهنمایان جامعه در مسیر هدایت و پیشرفت شناخته می شوند. به همین جهت، در آثار علمی دانشمندان مسلمان، همواره در آغاز تألیفات به فضیلت علم و جای گاه علماء اشاره گردیده است. افزون بر این، در میان امت اسلامی اعم از عام و خاص باور عمیقی نسبت به مرجعیت علمی علماء وجود داشته و این حقیقت در ساختار فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی به صورت ملموس مشاهده می گردد؛ امری که ریشه در تعالیم قرآن کریم دارد. این تحقیق تلاش نموده است تا با استناد به آیات قرآن کریم، احادیث نبوی ﷺ و دیدگاه های علماء و مفسران اسلامی، جای گاه علماء را به صورت علمی و تحلیلی بررسی نموده و با ارائه یک نگاه نوین، توجه امت اسلامی را به اهمیت علم و نقش حیاتی علماء در هدایت جامعه جلب نماید، تا زمینه ی بازگشت به هویت اصیل اسلامی و ایفای مسئولیت های اساسی امت فراهم گردد.



از سوی دیگر، تبیین اهمیت علم و جایگاه علماء با نزول وحی و طلوع آفتاب اسلام آغاز گردیده است؛ هرچند پیش از اسلام نیز در میان یک‌تعداد ملل مانند یهود، نصاری و دیگر مکاتب، برای علم و اهل آن ارزش‌هایی وجود داشت، اما این ارزش‌ها محدود به اقشار خاصی بوده و دسترسی همه‌گانی به علم فراهم نبود. با ظهور اسلام، دعوت به علم و عقلانیت به صورت فراگیر مطرح گردید و تمامی انسان‌ها به کسب دانش و اندیشه‌ورزی تشویق شدند. هم‌چنین، خداوند متعال، پیامبر اکرم ﷺ و خلفای راشدین (رضی‌الله‌عنهم) به گونه صریح بر فضیلت علم و جایگاه علماء تأکید نموده‌اند.

نکته قابل توجه در این تحقیق، مفهوم «تبیین عقلانی» است. مقصود از این تعبیر، صرفاً تفسیر متون دینی بر اساس برداشت‌های محض فلسفی و نظریات انتزاعی عقل نیست؛ بلکه هر نوع تلاش فکری و اجتهادی انسان در فهم درست معانی آیات و نصوص دینی، اعم از تحلیل‌های عمیق عقلی یا تفسیرهای ساده و قابل فهم، در چارچوب عقلانیت قرار می‌گیرد. بر این اساس، «تبیین عقلانی» شامل دو بُعد می‌گردد: نخست، تحلیل مفاهیم دینی بر مبنای اصول عقلانی و رویکردهای فکری، و دوم، توضیح و تفسیر ساده و بی‌تکلف متون دینی در قالب زبان متعارف. این رویکرد، زمینه‌ی فهم دقیق‌تر معارف قرآنی و پیوند میان عقل و نقل را فراهم می‌سازد.

با وجود آن‌که در این زمینه کتاب‌ها و رساله‌های متعدد تألیف و نشر گردیده است، اما در اثر تبلیغات سوء، جنگ‌های فکری و تقابل اندیشه‌ها، بخشی از جوانان و محصلین نسبت به اهمیت علم و مرجعیت علماء چه از دیدگاه نقل و چه از منظر عقل کم‌توجه گردیده‌اند. از این رو، ضرورت است. تا این موضوع از سوی نویسندگانی هم‌سطح و هم‌نسل آنان مورد توجه قرار گرفته و به گونه علمی و مستدل برای این قشر مهم جامعه تبیین گردد، تا به‌عنوان آینده‌سازان و طلایه‌داران رهبری



امت، از همان آغاز با راه‌های موفقیت در مدیریت و هدایت جامعه خویش آشنا شوند. همچنان، با توجه به این‌که افغانستان کشوری با اکثریت مسلمان و متدین است و مردم آن نسبت به ارزش‌های اسلامی پایبندی عمیق دارند، ضروری است که تمامی اقشار جامعه اعم از مسئولان، مأموران، کارمندان و سایر افراد، با جای‌گاه علم و مقام علماء آشنایی لازم داشته باشند، تا بتوانند نقش مؤثر و شایسته‌ی در جامعه اسلامی ایفا نمایند. این امر، اهمیت و ضرورت این تحقیق را برجسته می‌سازد.

در خصوص پیشینه تحقیق، باید گفت که جای‌گاه و منزلت علم و علماءی دین نه برای اهل دانش و نه برای عموم مردم پوشیده نیست و در این زمینه آثار متعددی از جمله کتاب‌ها، مقالات و رساله‌ها به رشته تحریر درآمده است. با این حال، بررسی جامع و مستقل جای‌گاه علماء با تأکید هم‌زمان بر نصوص قرآنی و تبیین عقلانی - شرعی، کم‌تر به صورت منسجم مورد توجه قرار گرفته است. از جمله آثار مهم در این حوزه می‌توان به کتاب «جامع بیان العلم و فضله» تألیف ابو عمر یوسف بن عبدالله النمری القرطبی، با تحقیق أبو عبدالرحمن فواز احمد زمرلی اشاره نمود که در آن افزون بر استناد به نصوص شرعی، به‌گونه‌ی ضمنی به تحلیل‌های عقلانی نیز پرداخته شده است؛ اما هم‌چنان، نیاز به تحقیقی که این دو بُعد را به صورت یک‌جا و نظام‌مند بررسی نماید، محسوس می‌باشد.

بر این اساس، سؤالات اساسی این تحقیق چنین مطرح می‌گردد: نخست این‌که جای‌گاه علماء در پرتو نصوص قرآنی و از دیدگاه عقلانی - شرعی چگونه تبیین می‌شود؟ و دوم این‌که با استناد به کدام شواهد و دلایل می‌توان منزلت علماء را در اسلام، بر بنیاد نصوص قرآنی و تحلیل عقلانی، به اثبات رساند؟

در راستای پاسخ به این سؤالات، هدف اصلی این تحقیق، بررسی و تبیین جای‌گاه علماء در پرتو آیات قرآن کریم با رویکرد عقلانی و تحلیلی، با استفاده از منابع



معتبر دینی، مصادر دست اول و آثار برجسته کلامی و فلسفی می باشد. هم چنان، این تحقیق می کوشد تا با ارائه شواهد مستند و استدلال های دقیق، منزلت و نقش اساسی علماء را در نظام فکری و اجتماعی اسلام به گونه علمی اثبات نماید.

روش تحقیق

در این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری موضوع، مبتنی بر استفاده از شیوه کتابخانه ای در جمع آوری معلومات بوده و اطلاعات با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر و قابل اعتماد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند.

مفهوم شناسی

(الف) علم

علم در لغت از بدیهی ترین مفاهیم است که در زبان دری به (دانش، دانستن و ادراک) ترجمه می شود. اما در اصطلاح مورد نظر این تحقیق، مراد از علم، ادراک قطعی و مطابق با واقع نسبت به مسائل حیاتی مرتبط با جامعه اسلامی همراه با دلایل آن می باشد (الزحیلی، بی تا). به عبارت دیگر، علم به معنی مطلق ادراک است؛ چنان که علامه ایجی در کتاب «مواقف» تصریح نموده است: «العلم بمعنی الإدراک مطلقاً» (الایجی، ۶۰/۱).

در متون دینی، مقصود از علم، دانشی است که فضیلت و ثواب آن مورد تأکید قرار گرفته و صاحبان آن به عنوان وارثان پیامبران معرفی شده اند. بنابراین، منظور اصلی از علم، دانش دینی در عرصه عقیده و عمل است؛ هر چند علوم تخنیکی و حرفه ای نیز از نگاه شرعی دارای جای گاه فرض کفایی می باشند. از این رو، علم مورد نظر در این تحقیق، همان دانش شرعی است که فراگیری و آموزش آن مورد ستایش قرار گرفته است (ابن علان، ۱۴۲۵هـ، ۱۷۰/۷).

(ب) قرآن

قرآن در لغت به معنی (خواندن و گرد آوردن) (ضم) آمده است و در اصطلاح، عبارت از وحی متلو^۱ است که بر قلب مبارک پیامبر اکرم ﷺ نازل گردیده است، در مصاحف ثبت شده و به صورت متواتر به ما رسیده است (الجرجانی، ۱۴۰۳هـ: ۵۵).

(ج) معنی لغوی عقل

عقل در لغت دارای معانی متعدد است؛ از جمله: وسیله درک معانی کلی، مطلق فهم و ادراک، دانستن، و نیز به عنوان ضد جهل به کار رفته است. همچنان این واژه از ماده «عقال» به معنی بستن پای شتر گرفته شده و به مفهوم مهار کردن و بازداشتن نیز استعمال می‌گردد (فرهنگ دهخدا). در برخی منابع، عقل به معنی بستن شکم با دوا (که از اسهال جلوگیری کند) نیز آمده است؛ به گونه‌ای که آن دوا «عقول» و شکم «معقول» نامیده می‌شود (الرازی، ۱۴۲۰هـ: ۲۱۵). همچنان کلمه عقل در معنی «دیه» نیز به کار رفته است (زرقانی، ۱۴۲۴هـ، ۳۱۶/۴).

(د) معنی اصطلاحی عقل

در تعریف اصطلاحی عقل، دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است. از جمله، ابن سینا در کتاب «الاشارات والتبیهات» عقل را چنین تعریف می‌کند: (عقل یکی از جواهر مجرد است که هم در ذات و هم در فعل، از ماده مجرد می‌باشد) (ابن سینا، ۱۳۹۶: ۵۲۴). هم چنین، عقل به عنوان قوه‌ای خاص در انسان تعریف شده است که به وسیله آن، صفات اشیاء درک می‌گردد؛ چنان‌که امام رازی در تفسیر کبیر می‌نویسد: عقل عبارت از علم به صفات اشیاء، مانند حسن، قبح، کمال و نقصان آنها است (الرازی، ۱۴۲۰هـ، ۴۲۲/۲).

(ح) عقلانیت

عقلانیت به معنی منسوب بودن به عقل و مبتنی بودن بر آن است (معین، بی تا، ۳۶۸/۳). در کاربردهای معاصر، نسبت عقلانی با افزودن «الف و نون» به صورت

^۱وحی‌ای که هم الفاظ آن و هم معانی آن از سوی الله تعالی نازل شده و توسط پیامبر اسلام ﷺ بدون تغییر، به امت ابلاغ گردیده و در عبادت (نماز، تلاوت، قرائت) خوانده می‌شود.



گسترده استعمال می شود؛ چنان که دکتور احمد مختار عبدالحمید عمر در این زمینه به کاربردهایی مانند «تفکر عقلانی» اشاره نموده است (مختار، بی تا، ۱۰/۱). مراد از «تبیین عقلانی» در این تحقیق، نگرشی است که در آن، مفاهیم و معارف دینی در کنار استناد به نصوص شرعی، با استفاده از استدلال‌های عقلی نیز توضیح و تقویت می‌گردد. بدین معنی که در عین محوریت قرآن و سنت، از ظرفیت عقل برای فهم بهتر، توضیح دقیق‌تر و استحکام بیش‌تر مفاهیم استفاده می‌شود. با توجه به تعاریف ارائه شده، عقل به‌عنوان نیرویی شناخته می‌شود که انسان را از خطا باز می‌دارد و زمینه درک صحیح حقایق را فراهم می‌سازد؛ چنان که گفته شده است: «العقل: الإدراك المانع من الخطأ» (الهرری الشافعی، ۱۴۲۱هـ، ۱/۳۹۸). از این رو، در این تحقیق تلاش می‌شود تا با استفاده از عقلانیت در کنار نصوص شرعی، جای‌گاه علماء به‌طور دقیق‌تر و مستدل‌تر تبیین گردد؛ زیرا علماء به‌عنوان نزدیک‌ترین افراد به حقیقت و هدایت، نقش اساسی در راهنمایی جامعه و حفظ سلامت فکری آن دارند.

شاهد قرار گرفتن علماء بر وحدانیت الله متعال

علماء از جمله کسانی‌اند که به‌گونه عمیق‌تر و دقیق‌تر به وحدانیت و عدالت الله متعال پی برده و به همین جهت در ردیف ملائکه قرار داده شده‌اند. چنان‌که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ﴾ (آل عمران: ۱۸). ترجمه: خداوند (با نشان دادن جهان هستی به‌گونه یک واحد بهم پیوسته و یک نظام یگانه و ناگسسته، عملاً) گواهی می‌دهد این که معبودی جز او نیست، و این که او (در کارهای آفریدگان خود) دادگری می‌کند، و فرشتگان و صاحبان دانش (هر یک به‌گونه‌ای در این باره) گواهی می‌دهند. جز او معبودی نیست که هم توانا است و هم حکیم (خرم دل، ۱۳۹۷: ۹).

کسی که برای (رضای خداوند) تعلیم کند و کسب علم نماید در ملکوت آسمان‌ها



به بزرگی نوشته می شود. (سیوطی ب ت: ۴۴۵ / ۲۲). این آیه دلالت روشنی بر جایگاه بلند علماء دارد؛ زیرا الله متعال پس از ذکر ذات مقدس خود، ملائکه و سپس اهل علم را به عنوان شاهدان توحید معرفی نموده است. امام غزالی رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید: «بنگر که الله متعال چگونه از خود آغاز نموده، سپس فرشتگان و در نهایت اهل علم را گواه گرفته است؛ و این خود بیانگر عظمت، جلال و منزلت آنان است» (الغزالی، ۴/۱).

همچنان مفسران بزرگ، از جمله ابن کثیر، این آیه را دلیلی بر فضیلت عظیم علماء دانسته و تصریح نموده اند که این گواهی، مقام علمی آنان را به مرتبه ای بلند ارتقا داده است؛ به گونه ای که مردم می توانند در تشخیص حق از باطل به آنان رجوع نمایند (ابن کثیر، ۱۴۲۰هـ، ۲۵/۲).

تبیین عقلانی

با تأمل در این آیه و تحلیل سخن امام غزالی، روشن می گردد که ترتیب ذکر «الله»، «ملائکه» و «اولوالعلم» از یک نظام دقیق و هدف مند حکایت دارد. کاربرد تعبیر «بنگر» در کلام امام غزالی، دعوتی است به تأمل و تدبر عمیق در مفاهیم قرآنی، که خود نشان دهنده نقش اساسی عقل در فهم نصوص دینی می باشد. این بیان، انسان را به استفاده درست از قوه تفکر و تعقل فرا می خواند تا بتواند به حقیقت معانی و حیاتی دست یابد. از این رو، این شیوه بیان، نمونه ای روشن از تبیین عقلانی در کنار استناد به نصوص شرعی به شمار می رود.

از جانب دیگر، اسلام میان اهل علم و غیر آنان تفاوت قائل شده و برتری علماء را به گونه های مختلف بیان نموده است. چنان که از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است: «فضل عالم بر عابد هفتاد درجه است که فاصله میان هر دو درجه به اندازه ای است که اسب هفتاد سال بدود؛ و این بدان سبب است که عالم بدعت را می شناسد



و از آن نهی می‌کند، درحالی‌که عابد سرگرم عبادت خویش بوده و از آن آگاهی ندارد» (کنز العمال، ۱۰/۱۷۵).

این بیان، علاوه بر تأکید بر فضیلت علم، نشان می‌دهد که نقش علماء تنها در عبادت فردی خلاصه نمی‌شود، بلکه آنان مسئول هدایت فکری جامعه و پاسداری از دین در برابر انحرافات نیز می‌باشند...

برتری اهل علم و معرفت بر اهل جهل و انکار

برتری اهل علم و معرفت بر اهل جهل و انکار، از جمله مسائلی است که به‌گونه صریح در نصوص قرآنی بیان گردیده است. چنان‌که الله متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (الزمر: ۹)

ترجمه: بگو (ای پیامبر!) آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ تنها صاحبان خرد پند می‌گیرند (خرم دل، ۱۳۹۷: ۵۴).

این آیه به روشنی بیان می‌دارد که میان دانایان و نادانان هیچ نوع برابری وجود ندارد؛ و این حقیقت، امری است که عقل سلیم نیز آن را تأیید می‌کند. در این اسلوب بیانی، الله متعال به امری اشاره می‌نماید که مورد توافق همه است، و آن ارزش عقل و دانش در حیات انسانی می‌باشد. چنان‌که از ابن عباس (رضی‌الله‌عنه) نقل شده است که مراد از «الذین یعلمون»، کسانی‌اند که معرفت الله را حاصل نموده‌اند.

همچنان می‌توان میان این آیه و آیه بیستم سوره حشر نوعی تناسب مشاهده نمود؛ جایی که الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

هُمْ الْفَائِزُونَ﴾ (الحشر: ۲۰). ترجمه: هرگز دوزخیان و بهشتیان برابر نیستند؛ بهشتیان همان رستگاران‌اند (خرم دل، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

این آیه نیز بر عدم تساوی میان دو گروه تأکید نموده و نتیجه نهایی تلاش انسان‌ها را بیان می‌کند، همان‌گونه که در آیه پیشین، تفاوت میان اهل علم و جهل مطرح



گردیده است.

در سنت نبوی نیز بر فضیلت علم تأکید شده است. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ» (ترمذی، ۲۸/۵). ترجمه: هر کس راهی را برای طلب علم در پیش گیرد، الله متعال راهی به سوی بهشت برای او آسان می سازد.

از مجموع این نصوص چنین برمی آید که علم، عامل برتری انسان و وسیله رسیدن به سعادت اخروی است. در این میان، نکته ای که به صورت ضمنی قابل توجه است، مسأله تفاوت در عقول انسان ها می باشد. هرچند بررسی تفصیلی این موضوع خارج از چارچوب این تحقیق است، اما به صورت مختصر می توان گفت که اندیشمندان در این زمینه دیدگاه های متفاوتی ارائه نموده اند.

برخی از فلاسفه، به ویژه حکمای یونان باستان، بر این باور بودند که انسان ها از نظر قوای عقلی یکسان نیستند و به مراتب مختلف تقسیم می شوند؛ درحالی که یک تعداد دیگر، مانند کانت، بر آن است که قوه عقل به صورت برابر در میان انسان ها وجود دارد، اما تفاوت در نحوه استفاده و به کارگیری آن می باشد (فروغی، ۱۳۹۱: ۲۲۶).

با این حال، آنچه از منظر اسلامی اهمیت دارد، این است که عقل به عنوان نعمتی الهی، در پرتو هدایت وحی به کمال می رسد و می تواند انسان را به سوی حقیقت رهنمون گردد. از این رو، پیوند میان عقل و نقل، اساس فهم صحیح دین و عامل تمایز اهل علم از اهل جهل و انکار به شمار می رود.

جای گاه علم آدم علیه السلام در برابر ملائکه و امر به سجده آنان

جای گاه و منزلت علم آدم علیه السلام در قرآن کریم به گونه ای بیان گردیده که موجب برتری وی بر ملائکه شد و به همین سبب، ملائکه مأمور به سجده در برابر او گردیدند. چنان که الله متعال در سوره بقره می فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا



لَادِمٌ﴾ (البقرة: ۳۴). ترجمه: و (به یاد آور) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید (خرم دل، ۱۳۹۷: ۵۵).

این امر الهی، دلالت بر شرافت مقام آدم علیه السلام دارد که بر پایه علم و آگاهی ای بود که الله متعال به وی عطاء فرموده بود؛ چنان که در آیات دیگر قرآن نیز به تعلیم اسماء به آدم اشاره شده است که این خود نشان دهنده نقش علم در اعطای این مقام بلند می باشد. هم چنان، در سنت نبوی، فضیلت علم و جایگاه طالبان علم به گونه گسترده بیان شده است. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «من سلك طريقًا يطلب فيه علماء، سلك الله به طريقًا من طرق الجنة، وإن الملائكة لتضع أجنحتها رضا لطالب العلم، وإن العالم ليستغفر له من في السماوات ومن في الأرض، والحيتان في جوف الماء، وإن فضل العالم على العابد كفضل القمر ليلة البدر على سائر الكواكب، وإن العلماء ورثة الأنبياء، وإن الأنبياء لم يورثوا دينارًا ولا درهمًا، ورثوا العلم فمن أخذه أخذ بحظ وافر» (طبرانی، ۲۲۴/۲، ۱۴۰۵هـ). ترجمه: هر کس در راهی برای طلب علم گام بردارد، الله متعال او را به یکی از راه های بهشت هدایت می کند. و فرشتگان از روی رضایت برای طالب علم، بال های خود را فرو می گسترند. و برای عالم، همه آنچه در آسمان ها و زمین است طلب آمرزش می کنند، حتی ماهیان در آب. برتری عالم بر عابد همانند برتری ماه شب بدر بر سایر ستارگان است. و علماء وارثان پیامبران اند، و پیامبران دینار و درهم به ارث نمی گذارند، بلکه علم را به میراث می گذارند؛ پس هر کس آن را فرا گیرد، بهره ای بزرگ نصیب او شده است.

این مجموعه از نصوص قرآنی و احادیث نبوی بیان گر آن است که علم، عامل اصلی شرافت و برتری انسان بوده و سبب ارتقای جایگاه وی در میان مخلوقات، حتی فرشتگان، می گردد.



تشبیه عالم به بینا و نادان به نابینا و تبیین جای‌گاه خشیت الهی در میان علماء در رابطه به تشبیه عالم به بینا و نادان به نابینا، خداوند جلّ و علا در سوره رعد چنین می‌فرماید:

﴿أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَمَّا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (الرعد: ۱۹). ترجمه: آیا کسی که می‌داند آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است، مانند کسی است که نابیناست؟ تنها صاحبان خرد پند می‌گیرند (خرم دل، ۱۳۹۷: ۸۷).

این آیه به‌گونه روشن بیان می‌دارد که عالم و جاهل یک‌سان نیستند؛ همان‌گونه که بین بینا و نابینا تفاوت آشکار وجود دارد. بنابراین، علمای مؤمنین از حیث درجه و منزلت بر سایر مؤمنین برتری دارند و در مقابل، عالمان منکر از حیث گناه و عذاب، شدیدتر از جاهلان منکر می‌باشند. هم‌چنین، از عثمان بن عفان (رضی‌الله‌عنه) روایت شده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» (البخاری: ۲، ۱۹۲). ترجمه: بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد.

این حدیث شریف دلالت بر فضیلت علم، به‌ویژه علم قرآن، و جای‌گاه والایی را کسانی دارد که در مسیر تعلیم و تعلم آن گام برمی‌دارند.

اختصاص خشیت الهی به علماء

در این تردیدی نیست که علمای ربانی دارای خضوع و خشوع بوده و خشیت الهی در قلوب آنان جای دارد؛ چنان‌که الله متعال در سوره فاطر می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ (فاطر: ۲۸). ترجمه: تنها بندگان دانا از الله می‌ترسند؛ همانا الله شکست‌ناپذیر و آمرزنده است. (خرم دل، ۱۳۹۷: ۹۵).

و نیز در آیه دیگر آمده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (الفرقان: ۵۸).



ترجمه: و ما تو را جز بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده نفرستادیم (حرم دل، ۱۳۹۷: ۸۴).
از عبدالله بن مسعود ^(رضی‌الله‌عنه) نقل شده است که فرمود: «کفی بخشبة الله علماء و
کفا بالاغترار بالله جهلاً» (المعجم الکبیر: ۱۸۹/۹). ترجمه: برای عالم بودن، ترس
از الله کافی است و برای نادانی، مغرور شدن به الله کفایت می‌کند.

همچنین ابن عباس ^(رضی‌الله‌عنه) در تعریف عالم می‌گوید: «العالم بالرحمن من عباده من
لم یشرک شیئاً، وأحلّ حلاله وحرّم حرامه، وحفظ وصيته، وأیقن أنه ملاقيه ومحاسب
بعمله» (ابن کثیر: ۵۴۴/۶).

ترجمه: عالم به الله از بندگانش کسی است که هیچ چیزی را شریک او قرار ندهد،
حلال او را حلال و حرام او را حرام بداند، سفارش‌هایش را حفظ کند و یقین داشته
باشد که با او ملاقات خواهد کرد و به اعمالش مورد حساب قرار می‌گیرد.
سعید بن جبیر نیز در تفسیر خشیت می‌گوید: «خشیت آن است که میان تو و
معصیت الله فاصله ایجاد کند» (ابن کثیر: ۵۴۴/۶).

بر این اساس، عالم ربانی کسی است که به مقتضای علم خود عمل نماید؛ و هر
کس به علم خویش عمل نکند، در حقیقت در حکم جاهل قرار می‌گیرد. همچنین
از مالک بن انس نقل شده است که فرمود: «إن العلم ليس بكثرة الرواية، وإنما العلم
نور يجعله الله في القلب» (ابن کثیر: ۵۴۵/۷). ترجمه: علم به کثرت روایت نیست،
بلکه نوری است که الله در قلب قرار می‌دهد.

ابن کثیر ^(رحمه‌الله) در تفسیر این آیه می‌فرماید: هر اندازه معرفت به الله بیش‌تر باشد،
خشوع و خضوع در برابر او نیز افزون‌تر خواهد شد. و عبدالرحمن سعدی ^(رحمه‌الله)
بیان می‌دارد که هر کس شناخت بیش‌تری از الله داشته باشد، ترس او نیز بیش‌تر می
گردد؛ و این ترس موجب دوری از گناه و آمادگی برای لقاء الله می‌شود، که خود



دلیلی بر فضیلت علم است؛ زیرا علم حقیقی انسان را به خشیت الهی سوق می‌دهد و اهل خشیت نزد الله مورد تکریم قرار می‌گیرند. (ابن کثیر: ۵۴۶/۶).

علماء به عنوان تشخیص دهنده گان حق و باطل و تبیین جای گاه و درجات آنان

در رابطه به نقش علماء به عنوان تشخیص دهنده گان حق و باطل، خداوند متعال در سوره نحل می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ، فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

(النحل: ۴۳). ترجمه: و پیش از تو جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم نفرستادیم؛ پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر (و آگاهان) بپرسید (خرم دل، ۱۳۹۷: ۷۶).

بدون شک، «اهل ذکر» در این آیه به اهل علم اشاره دارد؛ کسانی که توانایی تشخیص و تبیین حق از باطل را دارند و مرجع رجوع در مسائل دینی محسوب می‌شوند. رسول الله ﷺ نیز می‌فرماید: «مَنْ يَرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يَفْقَهُهُ فِي الدِّينِ» (النسائی،

السنن الکبری: ۴۲۶/۳). ترجمه: هر کس را که الله اراده خیر برایش داشته باشد، او

را در دین آگاه و فقیه می‌گرداند. ابن حجر عسقلانی (رحمه الله) در شرح این حدیث

می‌گوید: «یفقهه» یعنی به او فهم عمیق در دین عطاء می‌کند. بر اساس مفهوم این

حدیث، کسانی که در دین تفقه نمی‌کنند و اصول و فروع آن را نمی‌آموزند، از خیر

محروم‌اند. این حدیث به روشنی برتری علماء را بر دیگران و فضیلت کسب علم

دینی را بر سایر علوم نشان می‌دهد (فتح الباری: ۲۹۳/۱۳).

از بزرگان سلف نیز در بیان جای گاه علماء نقل‌های مهمی آمده است: امام اوزاعی

(رحمه الله) می‌فرماید: «الناس عندنا أهل العلم، من سواهم فلا شيء». یعنی: از نظر ما،

مردم همان اهل علماء‌اند و غیر از آنان ارزشی ندارند. سفیان ثوری (رحمه الله) می‌گوید:

«لو أن فقيهاً على رأس جبل لكان هو الجماعة». یعنی: اگر یک فقیه در بالای کوهی



باشد، همان به تنهایی جماعت محسوب می شود. و حسن بصری (رحمه الله) می فرماید: «موت العالم ثلثة في الإسلام لا يسدها شيء ما اختلف الليل والنهار» (کنز العمال: ۱۴۹/۱). ترجمه: مرگ عالم، شکافی در اسلام ایجاد می کند که تا زمانی که شب و روز در گردش است، چیزی آن را جبران نمی کند.

درجات بلند علماء نزد الله متعال یکی از دلایل روشن بر بلند بودن درجات علماء نزد الله متعال، آیه ۱۱ سوره مجادله است، آنجا که می فرماید: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (المجادله: ۱۱) (خرم دل، ۱۳۹۷: ۱۲۳).

الله کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که دارای علماء اند به درجات بلند ارتقا می دهد، و الله به آنچه انجام می دهید آگاه است. در تبیین این آیه، این پرسش مطرح می شود که چرا علماء دارای درجات بلند هستند؟ پاسخ آن است که علماء تنها به صلاح خویش نمی اندیشند، بلکه خود را وقف هدایت و سعادت دیگران نیز می نمایند؛ همان گونه که طیب برای درمان بیماران سختی ها را تحمل می کند و صنعت گر برای حفظ جان انسان ها ابزار می سازد، اما عالم ربانی در پی رضای الله متعال است و هدف او هدایت جامعه می باشد. امام بیضاوی رحمه الله در این زمینه می گوید: علت رفع درجات علماء آن است که آنان علم را با عمل جمع کرده اند؛ زیرا علم، در ذات خود مقتضی عمل است و هرگاه علم با عمل همراه گردد، موجب افزایش مرتبه و رفعت می شود، و به همین دلیل است که به رفتار عالم اقتدا می گردد، نه به غیر او (البيضاوی، ۵۴۳/۱۱، ۱۴۱۸هـ).

همچنین «رفع درجات» دلالت بر فضیلت علماء دارد که این فضیلت هم در دنیا و هم در آخرت ظاهر می شود. رسول الله ﷺ می فرماید: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ» (صحیح

مسلم: ۱۲۵۵/۳).

ترجمه: هرگاه انسان بمیرد، عمل او قطع می‌شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه، علمی که از آن بهره گرفته شود، و فرزند صالحی که برای او دعا کند.

علامه ابن عابدین شامی (رحمه‌الله) نیز در کتاب «رد المحتار» در بیان فضیلت علم می‌نویسد: «من مات وهو يطلب العلم (أى العلم الشرعى) فهو شهيد، سواء كان اشتغاله به تأليفاً أو تدريسياً أو حضوراً فى مجلس علم، ولو كل يوم درساً، وليس المراد الانكباب فيه» (ابن عابدین، ۲۵۲/۲، ۱۴۱۲هـ).

ترجمه: کسی که در حالی از دنیا برود که در طلب علم (شرعی) باشد، شهید محسوب می‌شود؛ خواه اشتغال او به صورت تألیف، تدریس یا حضور در مجلس علم باشد، حتی اگر روزانه یک درس داشته باشد؛ و منظور، غرق شدن کامل و افراط در آن نیست.

حصر فهم مفاهیم قرآنی بر علماء و نقش آنان در تبیین معانی قرآن

این که فهم مفاهیم قرآنی منحصر در علماء است، هم از نظر نقلی و هم از نظر عقلی قابل اثبات می‌باشد. چنان که الله متعال در سوره عنکبوت می‌فرماید: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ (العنکبوت: ۴۳).

ترجمه: این‌ها مثال‌هایی است که ما برای مردم بیان می‌کنیم، و جز عالمان آن را درک نمی‌کنند (خرم دل، ۱۳۹۷: ۲۰۳).

در تبیین این آیه می‌توان گفت که فهم معانی، حکمت‌ها و امثال قرآنی، کاری سطحی و ساده نیست، بلکه نیازمند عقل سلیم، دانش عمیق و توانایی تدبیر در آیات الهی است. حقیقت مثال‌های قرآنی را به‌گونه کامل و دقیق، تنها علماء درک کرده و تبیین می‌نمایند؛ از همین رو، آنان شایسته‌ترین افراد برای مرجعیت در امور فکری، دینی و اجتماعی جامعه به شمار می‌روند.



هنگامی که عمر بن عبدالعزیز رحمه الله به اهمیت علم و جایگاه آن در مسیر فهم دین پی برد، چنین توصیه می کرد: «إِن اسْتَطَعْتَ فَكُنْ عَالِمًا، فَإِن لَمْ تَسْتَطِعْ فَكُنْ مَتَعَلِّمًا، فَإِن لَمْ تَسْتَطِعْ فَأُحِبَّهُمْ، فَإِن لَمْ تَسْتَطِعْ فَلَا تَبْغُضَهُمْ» (أبو یوسف یعقوب: ۳۸۰/۳). ترجمه: اگر توانستی عالم باش، و اگر نتوانستی دانش آموز باش، و اگر آن هم ممکن نشد، پس آنان را دوست بدار و اگر حتی این هم ممکن نبود، لااقل نسبت به آنان کینه و دشمنی نداشته باش.

این گفتار نشان می دهد که علم و اهل علم، جایگاه ویژه ای در فهم دین و بهره مندی از معارف قرآن دارند، و تعامل صحیح با آنان، خود بخشی از مسیر هدایت و رشد فکری و دینی انسان به شمار می رود.

تبیین عقلانی مفاهیم حدیث در ارتباط با نقش علماء در حفظ علم و جلوگیری از فتنه

امام بخاری (رحمه الله) به سند خود از سالم، از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمود: «يَقْبُضُ الْعِلْمُ وَيَظْهَرُ الْجُهْلُ وَالْفِتْنُ وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ» قیل: یا رسول الله وما الهرج؟ قال: «هكذا بيده فحرفها كانه يريد القتل» (البخاری: ۳۱/۱، ۱۴۲۲هـ). ترجمه: علم برداشته می شود، جهل و فتنه آشکار می گردد و هرج و مرج فراوان می شود. گفته شد: هرج چیست؟ فرمود: با دست مبارک اشاره کرد و مرادش قتل بود.

تبیین عقلانی

این حدیث شریف به روشنی بیان می دارد که با از میان رفتن علم، زمینه برای گسترش جهل، فتنه و ناامنی فراهم می گردد. از این رو، علم به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر فساد و خونریزی معرفی شده است. بر این اساس، می توان نتیجه گرفت که بقای وحدت امت اسلامی و استحکام نظام اجتماعی، به طور مستقیم با وجود علماء و گسترش علم پیوند دارد؛ زیرا علماء حاملان علم، هدایت و آگاهی اند و با تبیین



صحیح دین، جامعه را از انحراف و هرج و مرج حفظ می‌کنند. علم، تفکر انسانی را بر پایه منطق، استدلال و شواهد معتبر استوار می‌سازد و آن را از پیروی احساسات، تعصبات و تقلید کورکورانه دور می‌نماید. از همین رو، علماء نه تنها ناقلان سنت دینی، بلکه اندیشمندان و مرجع عقلانی جامعه در حوزه دین به شمار می‌روند. جای‌گاه آنان صرفاً مبتنی بر نصوص شرعی نیست، بلکه از منظر ضرورت‌های عقلی و اجتماعی نیز کاملاً قابل توجیه است؛ زیرا جامعه انسانی در بُعد فکری و دینی نیازمند مرجعیت علمی و هدایت‌گر است.

علماء در حقیقت حافظان هویت دینی یک جامعه‌اند و در تولید و تبیین معرفت دینی نقش بنیادین دارند. آنان همچون سپری محکم در برابر انحرافات فکری و اخلاقی عمل می‌کنند و مانع از بروز آشوب، اختلاف و هرج و مرج در جامعه می‌شوند. همچنین بسیاری از بدیهیات و مشاهدات عقلی، نیازی به استناد به منابع دیگر ندارند، بلکه خود به‌تنهایی دلیل بر صحت خویش‌اند؛ مانند مثال‌های منطقی که گفته می‌شود: «النار محرقة والماء مغرقة». این‌گونه گزاره‌ها به‌دلیل وضوح و بداهت، نیازمند استدلال‌های پیچیده یا ارجاع به منابع متعدد نیستند.

هدف از این تبیین آن است که نشان داده شود تقسیم مسئولیت در میان انسان‌ها، از الطاف الهی است؛ به‌گونه‌ای که یک‌تعداد را مسئولیت رهبری و هدایت و برخی دیگر را وظیفه پیروی و تبعیت عطا فرموده است. این تقسیم، نه تنها از نظر شرعی، بلکه از نظر عقل سلیم نیز قابل پذیرش است؛ زیرا تجربه بشری نیز گواه آن است که اداره امور مادی و معنوی جامعه، به افراد متخصص و آگاه سپرده می‌شود. در واقع، همان‌گونه که گفته می‌شود: «آفتاب آمد دلیل آفتاب»، وجود نظم اجتماعی و پذیرش عمومی مرجعیت علمی علماء، خود گواهی بر ضرورت و جای‌گاه عقلانی آنان در هدایت جامعه است. از این رو، اکثریت عاقلان و اندیشمندان، مرجعیت علماء را در زندگی دینی و اجتماعی، یک ضرورت عقلانی و یک وظیفه ایمانی



می‌دانند.

ربانیون؛ علماء و حکیمان امت

علماء، حکیمان و ربانیون، ستون‌های فکری و تربیتی امت اسلامی‌اند. عبدالله بن عباس رضی‌الله‌عنه در تفسیر آیه ﴿كُونُوا رَبَّانِيِّينَ﴾ می‌فرماید: «یعنی حکیمان و فقیهان باشید، و ربانی کسی است که مردم را با آموزش مسائل ساده و ابتدایی علم، پیش از مسائل بزرگ و پیچیده، تربیت می‌کند» (بخاری، ۱۴۰۴: ۲۷/۱).

محمد بن جریر طبری (رحمه‌الله) در تفسیر این آیه می‌گوید: تأویل آن چنین است که هیچ انسانی که از جانب الله متعال به او کتاب و نبوت داده شده، سزاوار نیست که مردم را به بندگی خود دعوت کند؛ بلکه وظیفه او این است که مردم را به سوی معرفت الله‌رهنمون سازد و آنان را به شناخت شریعت و احکام الهی تشویق نماید. چنین افرادی پیشوایان در معرفت الله، راهنمایان امر و نهی، الگوهای اطاعت و عبادت، و معلمان کتاب و دین برای مردم‌اند (الطبری: ۵۴۱/۶).

علم، انسان را به جای‌گاه رهبری دینی و اصلاح اجتماعی می‌رساند و او را به الگو و مربی جامعه تبدیل می‌کند؛ اما این مقام زمانی تحقق می‌یابد که عالم به علم خویش عمل کند. علم و دانش، مایه حیات و نور خیر است. درحالی‌که، جهل و نادانی، مرگ و تاریکی و منشأ شر می‌باشد. چنان‌که الله متعال می‌فرماید: ﴿أَوْ مِنْ كَانٍ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا﴾ (الأنعام: ۱۲۲).

ترجمه: آیا کسی که مرده بود و او را زنده گردانیدیم و برایش نوری قرار دادیم که با آن در میان مردم راه می‌رود، مانند کسی است که در تاریکی هاست و هرگز از آن بیرون نمی‌آید؟ (خرم دل، ۱۳۹۷: ۲۲۳).

از دیدگاه قرآن کریم، علم دارای ارزش و عزت ذاتی است؛ علمی که نیکو و



پسندیده بوده و گم‌شده مؤمن شمرده می‌شود، و هر جا آن را بیابد، سزاوار است آن را فراگیرد (ابن ابی شیبه: ۱۴۰۹).

تبیین عقلانی

از این بیان چنین برمی‌آید که انسان به صورت فطری در جستجوی نیکی با لذات است. گاهی این نیکی را به درستی می‌شناسد و در مسیر آن گام برمی‌دارد، مانند طالبان علم و حقیقت؛ و گاهی آن را نمی‌شناسد و در بیابان‌های هوا و هوس سرگردان می‌شود و نجات خویش را در پیروی از نفس اماره بالسوء می‌جوید. شأن نزول آیه مذکور نیز مؤید همین حقیقت است؛ اسلام آوردن حمزه بن عبدالمطلب (رضی‌الله‌عنه) در برابر کفر و تعصب ابوجهل نمونه‌ای روشن از دو مسیر متفاوت است. سرانجام، تعصب و لجاجت ابوجهل به هلاکت او انجامید. در حالی که، انتخاب آگاهانه و حق‌طلبانه حضرت حمزه، او را به مقام بلند «اسدالله و اسد رسول» رسانید.

تقسیم علماء در قرآن کریم

در قرآن کریم، علماء از نگاه نقش، عمل و جهت‌گیری، به دو دسته تقسیم گردیده‌اند:

دسته اول: علماءی راستین

این دسته از علماء در قرآن کریم به عنوان رهبران فکری و معنوی جامعه معرفی شده‌اند که نقش اساسی در بیداری، آگاهی و تنظیم امور مهم امت اسلامی دارند. آنان به عنوان وارثان انبیا، مسئولیت دارند که جامعه را از خواب غفلت بیدار سازند، حقایق دین را به روشنی تبیین نمایند و امت را از انحرافات و تاریکی‌ها دور نگه دارند.

قرآن کریم و هم‌چنان احادیث نبوی و اقوال علماءی سلف صالح، به گونه واضح بر این جای‌گاه بلند و نقش اساسی علماء تأکید نموده‌اند. در آیات قرآنی و تفسیر آن‌ها، همراه با احادیث و اقوال صحابه (رضی‌الله‌عنه) و دیدگاه‌های مفسرین، این مسئولیت به تفصیل بیان گردیده است.



دسته دوم: علماءی سوء

دسته دوم، آن گروه از علماء اند که قرآن کریم گاهی آنان را به عنوان سوداگران زیان کار معرفی می کند؛ کسانی که احکام الهی را با دنیای فانی معامله می نمایند. چنان که الله متعال می فرماید: ﴿وَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْشَتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا...﴾ (البقرة: ۷۹) یعنی: وای بر کسانی که مطالبی را با دست خود می نویسند و سپس می گویند این از جانب الله است تا در برابر آن بهای اندکی به دست آورند. همچنان می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ...﴾ (التوبة: ۳۴)

یعنی: بسیاری از علماءی دینی، اموال مردم را به ناحق می خورند و مردم را از راه الله باز می دارند.

قرآن کریم گاهی این گونه افراد را به حیواناتی تشبیه می کند که از علم خود بهره نمی برند:

تشبیه به الاغ بارکش:

﴿كَمْثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾ (الجمعة: ۵) یعنی: مانند الاغی که کتاب حمل می کند، اما از محتوای آن بی خبر است.

تشبیه به سگ (در پیروی از هوا و هوس)

﴿فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ...﴾ (الأعراف: ۱۷۶) ویژگی های علماءی راستین در قرآن از مجموع آیات چنین برمی آید که علماءی حقیقی دارای ویژگی های زیر اند: اهل خشیت الهی اند: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر: ۲۸)

دارای درجات بلند نزد الله اند:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (المجادلة: ۱۱)

در گواهی توحید شریک اند:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... وَأَوْلُو الْعِلْمِ﴾ (آل عمران: ۱۸)

مسؤول هدایت و روشنگری جامعه اند:

﴿... لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ...﴾ (التوبة: ۱۲۲)

علم را با عمل و تعهد همراه می‌سازند:

﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ...﴾ (البقرة: ۴۴)

خلاصه این‌که قرآن کریم نشان می‌دهد که معیار ارزش عالم، تنها داشتن علم نیست، بلکه عمل به علم، اخلاص و خشیت الهی است.
بنابراین:

- علم بدون عمل، بی‌فایده و حتی زیان‌آور است؛
- عالم راستین، هدایت‌گر و مصلح جامعه است؛
- عالم سوء، سبب گمراهی و فساد در جامعه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

موضوع مورد بحث در این مقاله «بررسی جای‌گاه علماء از دیدگاه قرآن کریم و تحلیل عقلانی مبتنی بر شریعت اسلامی» می‌باشد. این تحقیق نشان می‌دهد که علم در متون دینی از جای‌گاهی بسیار والا برخوردار است و علماء نقش محوری در بیداری و آگاهی‌بخشی امت اسلامی دارند. آنان با نشر علم، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظلم، ترویج اخلاق و حفظ وحدت، جامعه را از انحرافات و تاریکی‌ها نجات می‌دهند. قرآن کریم و سنت نبوی بر این مسئولیت بزرگ تأکید نموده‌اند و علماء باید این وظایف را با اخلاص و تقوا انجام دهند تا امت اسلامی به سوی سعادت دنیوی و اخروی هدایت گردد.

بر اساس آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و تحلیل‌های عقلانی، علماءی دین به‌عنوان وارثان انبیاء، جای‌گاه برجسته‌ای در هدایت و اصلاح جامعه دارند. این منابع نشان می‌دهد که علماء به‌دلیل آگاهی، بصیرت و شناخت عمیق از دین، در میان مردم از مقام و منزلت ویژه‌ای برخوردارند. آنان نه تنها در فرآگیری و گسترش علم پیشگام‌اند، بلکه مسئولیت هدایت جامعه، ترویج فضایل اخلاقی و مبارزه با انحرافات فکری و اخلاقی را نیز بر عهده دارند.

علماء با نشر علم و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان پاسداران دین عمل نموده و جامعه را از تاریکی جهل و گمراهی نجات می‌دهند. حدیث نبوی «العلماء ورثة الأنبياء» نیز این جای‌گاه رفیع و مسئولیت بزرگ را به خوبی



بیان می‌کند. در نهایت، این تحقیق تأکید می‌نماید که علماء باید با اخلاص، تقوا، اخلاق نیکو و پایبندی به احکام الهی، الگوی عملی برای دیگران باشند تا افزون بر نشر علم، الهام‌بخش و راهنمای جامعه نیز قرار گیرند.

منابع
قرآن کریم.



- ابن حجر، أحمد بن علي (١٣٧٩هـ. ش). فتح الباري شرح صحيح البخاري. بيروت: الناشر دار المعرفة.
- ابن سينا، حسين ابن عبدالله (١٣٩٦). اشارات و تنبيهات، مترجم: دكتور حسن ملكشاهي تهران: انتشارات صدا وسيما.
- ابن عابدين، محمد امين. (١٤١٥ق) ردالمحتار على درالمختار. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن كثير، إسماعيل بن عمر. (١٤٢٠ق) تفسير القرآن العظيم (سامي بن محمد سلامة، محقق). بيروت: دار طيبة للنشر والتوزيع.
- أبو يوسف، يعقوب بن سفيان. (بي تا). المعرفة والتاريخ. المحقق: خليل المنصور. بيروت: الناشر دار الكتب العلمية.
- أبي شيبة، ابوبكر احمد بن عبدالله. (١٤١٠ق) معرفة السنن والآثار. بيروت: دارالكتب العلمية.
- أبي عمر، يوسف بن عبدالله النمري القرطبي. (١٤٢٤هـ.ق / ٢٠٠٣م). جامع بيان العلم وفضله، دراسة وتحقيق: أبو عبد الرحمن فواز أحمد زمري. الناشر: مؤسسة الريان - دار ابن حزم، الطبعة الأولى.
- الإيجي، عضد الدين عبد الرحمن. (١٩٩٧م).المواقف. تحقيق: د.عبد الرحمن عميرة. بيروت: الناشر دار الجيل، الطبعة الأولى.
- بخاري، محمد بن اسماعيل. (١٤٢٢ق) صحيح البخاري. مكتبة الشاملة، دار طوق النجاة.
- البيضاوي، ناصر الدين أبو سعيد عبدالله البيضاوي. (١٤١٨ هـ.ق). أنوار التنزيل وأسرار التأويل. المحقق: محمد عبد الرحمن المرعشلي الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة: الأولى
- البيهقي، احمد بن حسين. (١٤١٥ق) السنن الكبرى. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ترمذي، محمد بن عيسى. (١٣٩٥ش) سنن الترمذي. قاهره: مكتبة الحلبي.
- خرم دل، مصطفى. (١٣٩٧ش) تفسير نور. تهران: انتشارات احسان.
- دهخدا، علي اكبر (بي تا). فرهنگ دهخدا نشر الكترونيكي.
- الرازي، ابو عبدالله امام فخر الدين. (١٤٢٠). تفسير كبير ج ٢، بيروت: انتشارات دار التراث العربي.



- زرقانی، محمد ابن عبدالباقي مصري. (١٤٢٤). شرح مؤطا امام مالك، محقق: عبدالرؤف سعد. قاهره: انتشارات الثقافة الدينية مكتبة الشاملة نشر الكترونيكي.
- زين الدين أبو عبدالله محمد بن أبي بكر. (١٤٢٠هـ / ١٩٩٩م). مختار الصحاح. بيروت: انتشارات دار التراث العربي.
- السيوطي، جلال الدين. (بي تا). جمع الجوامع أو الجامع الكبير. المكتبة الشاملة.
- الطبري، محمد بن جرير. (١٤٢٠ق) جامع البيان عن تأويل القرآن. دمشق: دارالفكر.
- المتقي، علي بن حسام الدين. (بي تا). كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال الناشر. بيروت: المكتبة العصرية. الطبعة الخامسة. فروغى، محمد علي. (١٣٩١هـ. ش).
- سير حكمت در اروپا. تهران: خيابان انقلاب.
- مختار، د أحمد مختار عبد الحميد عمر، (بيتا) أخطاء اللغة العربية المعاصرة عند الكتاب والإذاعيين الناشر: عالم الكتب هررى، الشيخ العلامة محمد الأمين العلوى الهررى الشافعى، (١٤٢١هـ ق) تفسير حدائق الروح والريحان فى روايى علوم القرآن بيروت: الناشر دار الطوق النجاة.
- مسلم بن الحجاج، ابوالحسن. (بي تا) صحيح مسلم. بيروت: دار إحياء التراث العربى.